

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۵، ص ۵۴-۲۶

نقطه‌گذاری، نگاره‌ها و نشانه‌ها در نسخه خطی «ترجمه فارسی تورات» (۷۴۷)

ه. ق. ۱

دکتر محسن محمدی فشارکی^۲

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

فاطمه قیومیان محمدی^۳

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

چکیده

نقطه‌گذاری‌ها و کاربرد نشانه‌های نسخ از مسائلی است که در بررسی نسخه‌های خطی و نسخه‌شناسی باید بدان دقت شود. بدیهی است که توجه به این نشانه‌ها و دانستن معنا و مفهومشان در بسیاری از موارد می‌تواند حقایقی را درباره کتاب و کاتب مکشوف کند. استخراج، دسته‌بندی، تحلیل و بررسی این نشانه‌ها در نسخ خطی موجود، نخستین گامی است که برای تبیین کارکردهای نشانه‌ها در امر کتابت و نسخه‌نویسی و به تبع آن، تکمیل این مبحث در علم نسخه‌شناسی، مفید خواهد بود و به تعیین سابقه به‌کارگیری رموز و

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۳

۱- تاریخ وصول: ۹۵/۵/۶

۲- m.mohammadi@ltr.ua.ac.ir

۳- Ghayoomian.m@gmail.com

علائم در تاریخ نسخه‌نویسی خواهد انجامید. با همین هدف، در این مقاله، نشانه‌ها و نگاره‌های به‌کاررفته در کتابت نسخه «ترجمه فارسی تورات» (مجلس ۵۱۷۸) استخراج و در چند دسته ارائه شده‌است: ۱- نقطه‌گذاری‌ها، ۲- نگاره‌ها، ۳- قرمز نوشته‌ها و ۴- حاشیه نوشته‌ها. در این نوشتار موارد به‌کارگیری هر دسته از این نشانه‌ها بررسی و تبیین شده‌است.

واژه‌های کلیدی

نسخه‌شناسی، نشانه‌شناسی، نقطه‌گذاری، نگاره‌ها.

۱. مقدمه

خواندن درست متن که به دانستن و رعایت کردن مواضع وقف و وصل کلام و رعایت لحن و فراز و فرود عبارات و جملات بسته است، یکی از دغدغه‌های اهل هر زبان و به‌ویژه عالمان و سخن‌شناسان آن زبان است. آنچه امروز به‌عنوان قواعد سجاوندی یا نقطه‌گذاری می‌شناسیم، قوانینی است که برای کمک به درست خواندن متن وضع شده‌اند. نشانه‌های رایج در زبان فارسی از زبان‌های غربی وام گرفته شده است. باید توجه داشت که این نشانه‌ها در زبان‌های اروپایی به‌تدریج و در طول زمان شکل گرفته، تکمیل شده تا به‌صورت امروزی درآمده است. ریشه برخی از نشانه‌های رایج در این زبان‌ها، صورت اختصاری برخی از واژه‌های پرکاربرد است که در نسخه‌های خطی به کار می‌رفتند؛ این صورت‌های اختصاری یا مخفف‌ها، رفته‌رفته تغییر شکل داده و به‌صورت نشانه‌های امروزی درآمده است (Houston, 2013).

این مسأله که نقطه‌گذاری‌ها و کاربرد نشانه‌های ویرایشی، از چه زمانی در کتابت فارسی آغاز شده است؟ و اینکه کاتبان تا چه حد به این مسأله توجه داشته‌اند و مشکلات ناشی از ابهام و چند وجهی بودن جملات و عبارات را چگونه حل می‌کردند، از جمله سؤالاتی

است که در پژوهش‌های نسخه‌شناختی، بی‌جواب مانده است. نکته اینجاست که برای پاسخ‌گویی به سؤالاتی از این دست، شاید لازم باشد تمام آثار تاریخ نسخه‌نویسی فارسی را به دنبال ردپای این نشانه‌ها واکاوی کنیم. اینجاست که اهمیت توجه و دقت نسبت به نشانه‌ها و نگاره‌های به‌کاررفته در نسخ خطی روشن می‌شود. پژوهش حاضر نیز به همین منظور و با هدف روشن ساختن گوشه‌تاریکی از تاریخ کاربرد نشانه‌های ویرایشی، به بررسی و تبیین موارد کاربرد نقطه‌گذاری‌ها، نگاره‌ها و نشانه‌ها در نسخه «ترجمه فارسی تورات» که از نسخ ارزشمند قرن هشتم هجری است، پرداخته است.

۲. مختصری از تاریخ نشانه‌گذاری

در زبان‌های باستانی غربی نشانه‌گذاری وجود نداشته است. برای مثال، در زبان یونانی باستان، هیچ‌گونه نشانه‌های نقطه‌گذاری، مشابه آنچه امروز استفاده می‌کنیم، وجود نداشت. نقطه‌گذاری جملات چند قرن بعد از میلاد مسیح ابداع شد. قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی کتاب مقدس، چه عهد جدید و چه نسخ عبری عهد قدیم، بدون هرگونه نقطه‌گذاری نوشته شده است. عهد قدیم در اصل به زبان عبری و آرامی نوشته شده بود و عهد جدید به زبان یونانی. در نسخ خطی عبری و آرامی، حتی مصوت هم وجود نداشت چه برسد به نقطه‌گذاری. بعدها هم که مصوت‌ها را وارد خط کردند، تنها زمانی بکار می‌رفتند که واقعاً ضرورتی در کار بود. البته در نسخ خطی عبری، بین کلمه‌ها فاصله گذاشته شده است (Catach, 1994)، در حالی که در زبان یونانی باستان بین کلمه‌ها و پاراگراف‌ها فاصله نمی‌گذاشتند.

متن‌های یونانی باستان از یک رشته حروف تشکیل می‌شد که پی در پی و بدون فاصله نوشته می‌شدند و گاه در میان متن، جایی که بخش اصلی به پایان می‌رسید، یک خط سفید و خالی می‌گذاشتند که البته این هم همیشه رعایت نمی‌شد. آن‌ها حروف کوچک هم نداشتند و متون را با همان حروف بزرگ می‌نوشتند و این مسأله مشکلاتی را در ترجمه

کتاب مقدس پیش می‌آورد (Palmer, 2005).

در اشعار مصر باستان نشانه‌هایی مثل لاین و استنزا^۱ به کار رفته که به خواننده در فهم او از متن کمک می‌کرده است. در آغاز سنگ‌نوشته‌های یونانیان نیز شامل خطی عمودی بود که به‌عنوان مجزا کننده عبارات و جملات به کار می‌رفت. کاربرد دیگر این خط عمودی آن بود که حذف به قرینه‌ها را مشخص می‌کرد. اختراع نشانه‌گذاری که عموماً برای نشان دادن ساختارهای دستوری و منطقی زبان استفاده می‌شد، به فردی به نام اریستوفان (Aristophane) بیزانسی نسبت داده شده است. او مسئول حاشیه و تفسیر نوشتن بر بسیاری از اشعار کلاسیک یونانی و مخترع ایجاد استرس (Stress) یا علامت تأکید بر روی لغات بود (The Masoretes & the Punctuation of Biblical Hebrew, 2002: 1).

طبیعی است که دغدغه و تشویش خاطر برای صحیح خواندن متن درباره متون دینی و مذهبی و به‌ویژه کتاب‌های مقدس بسیار بیشتر باشد. همین نگرانی، انگیزه‌های قوی‌تری برای مؤمنان فراهم می‌کند تا برای حل مشکلاتی مثل ابهام و دو پهلو بودن برخی عبارات و برای پیشگیری از تفسیرها و تأویل‌های نادرست که اغلب نتیجه اشتباه خواندن متن است، دست به کار شوند و برای هدایت درست خوانندگان، علائم راهنما طرح کنند. در قرن نهم در کلیسا برای نشانه‌گذاری موسیقی سرودهای مذهبی از سیستم اریستوفان استفاده کردند. بعدها دو علامت تعجب و پرسش ایجاد شد که کارکرد دوگانه داشتند، نه تنها تغییر سخن یا گفتار را مشخص می‌کردند، بلکه به تفاوت‌های ظریف دستوری نیز اشاره داشتند (The Masoretes & the Punctuation of Biblical Hebrew, 2002: 2). سرانجام در آغاز قرن دوم پیش از میلاد مسیح، بسیاری از این آیات علامت‌گذاری شد. پیش از تکمیل تلمود، علمای یهود برای انسجام و انطباق بخش‌های مختلف کتاب، به اصلاح و اضافه کردن نشانه‌های دیگری برای وضوح بیشتر متن دست زدند. نمونه‌ای از این نشانه‌ها، خطی عمودی بود که برای نشان دادن آغاز و پایان کلماتی استفاده می‌شد که احساس می‌شد وضوح کافی ندارد (The Masoretes & the Punctuation of Biblical

(Hebrew, 2002: 2-4).

در قرون وسطی بود که برای اولین بار نسخ خطی یونانی به حروف کوچک نوشته شدند. در این نسخه‌ها بین واژه‌ها فاصله می‌گذاشتند. در طول این دوره از قرون وسطی، کاتبان نسخ خطی عبری که متون کتاب مقدس را رونویسی و محافظت می‌کردند، سیستمی را به وجود آوردند که در هر کلمه مصوت‌ها را نشان می‌داد. این کاتبان، به نام «ماسورت‌ها (Masoretes)» معروف هستند و متونی را که آن‌ها می‌ساختند، «متون ماسورتیک (Masoretic text)» می‌نامند. در نظامی که آن‌ها ابداع کردند، هر کلمه تکیه خود را دارد. در این نظام، علامت تکیه یا اکسانت (Accent) به سه منظور به کار می‌رود:

۱- نشان می‌دهد که کدام بخش کلمه تکیه دارد؛

۲- اکسانت، مثل یک نوع یادداشت موزیکال عمل می‌کند که نشان می‌دهد متن چگونه باید به صورت سرود خوانده شود؛

۳- اکسانت‌ها در پاره‌ای از موارد، کار نقطه‌گذاری را انجام می‌دادند.

این نظام هنوز در نسخه‌های خطی عبری کتاب مقدس دیده می‌شود (Shaw, 2011). در مورد خواندن صحیح قرآن نیز چنین چالش‌هایی وجود داشت. نگرانی در مورد این مسأله ذهن عالمان آگاه را درگیر کرد و سبب به وجود آمدن نظامی از نشانه‌ها و رموز شد که تا به امروز در نسخه‌های قرآن، برای پیشگیری از اشتباهات خواندن به کار می‌رود. نمونه بارز این نشانه‌ها، نشانه‌های وقف و وصل است. حکایت شده که رسول خدا (ص) در انتهای آیات وقف می‌کرده‌اند. از این رو می‌توان گفت که احتمالاً نخستین نشانه‌هایی که برای محل‌های وقف وضع شده‌اند، نشانه‌هایی هستند که در پایان آیات قرار می‌گرفته‌اند. ابوعمرو دانی درباره‌ی گذاشتن علامت در پایان آیات نوشته است که قرآن‌ها در ابتدا عاری از هرگونه علامتی بود تا اینکه در انتهای آیات نقطه‌هایی گذاشته شد (دانی، ۱۴۰۷: ۱۷). امین الاسلام طبرسی نوشته است: «در انتهای هر آیه‌ای از مصاحف سه نقطه گذاشته

شد» (طبرسی، ۱۴۰۶: ۷۷). به احتمال زیاد، گذاشتن علامت در پایان آیات، در اواخر قرن اول هجری به وقوع پیوسته اما واضح آن مشخص نشده است (دانی، ۱۴۰۷: ۲). در قرن ششم هجری قمری، ابو عبدالله محمد بن طیفور غزنوی سجاوندی (متوفی ۶۵۰ هـ ق.)، از مشاهیر علمای تفسیر، علوم قرآن و نحو، برای دیگر مواضع وقف^۲ نشانه‌هایی ابداع کرد. اقسام وقف پیشنهادی او به اندازه‌ای با استقبال روبرو شد که تا به امروز در مصاحف از آن استفاده می‌شود. این نشانه‌ها را در اواسط یا پایان آیات در محل‌های وقف قرار می‌دادند و به نام علائم یا رموز سجاوندی معروف شدند (دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی).

البته علائم سجاوندی که برای خواندن درست قرآن وضع شده بود، تنها در نگاشتن نسخه‌های قرآن به کار می‌رفت. تقریباً در همه قرآن‌های به جا مانده از قرن ششم هجری به بعد، از این علائم استفاده شده است. اگرچه به کارگیری این علائم، به خواندن متن کمک شایانی می‌کرد، فقط مخصوص نسخه‌های قرآن بود و در دیگر متون عربی یا فارسی از آن‌ها استفاده نمی‌شد. بدیهی است که متون دیگر نیز برای رساندن معنای مورد نظر به مخاطب، به چنین نشانه‌هایی نیاز داشتند ولی تا همین چند قرن اخیر اسلوب واحدی برای نشانه‌گذاری متون وجود نداشته است.

۳. پیشینه پژوهش

کتاب‌ها و رساله‌هایی از پیشینیان در دست است که نشان می‌دهد گذشتگان به تبیین فنون و رسوم کتابت و کتاب‌آرایی توجه داشته‌اند (ر.ک. مایل هروی، ۱۳۷۲: مقدمه). رساله‌هایی چون: «احیاء الخط» از زین العابدین خویی، «رساله در بیان خط و مرکب و کاغذ»، «حلیه الكتاب» و «فوائد الخطوط» از محمد بخاری، «قانون الصور» از صادقی بیگ افشار، «آداب المشق»، «سواد الخط» و «رسم الخط» از مجنون رفیقی هروی، «آداب المشق» از بابا شاه اصفهانی و ... ؛ اما در این میان اصول و قوانین نقطه‌گذاری‌ها و کارکرد نشانه‌های گوناگون

به کار رفته در نسخ خطی، به ندرت محل توجه بوده است. به طوری که در کنار کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری که از اواخر قرن ششم و پس از آن در سده‌های هفتم و هشتم هجری درباره فنون کتاب‌آرایی نوشته شده است، جای کتاب یا رساله‌ای که به رموز و نشانه‌ها و قواعد نقطه‌گذاری متون نسخ خطی بپردازد، خالی است. همین نکته نشان می‌دهد که درباره استفاده از این نشانه‌ها اتفاق نظر کلی که قابل آموزش دادن باشد، در میان کاتبان و نسخه‌پردازان نبوده است و هر کاتب به سبک و سیاق خود و به فراخور نیاز، در هر جا که لازم می‌دیده از این نشانه‌ها بهره برده است.

در دوران معاصر برخی از محققان و نسخه‌پژوهان به این موضوع توجه نشان داده‌اند و باب بحث و بررسی این مسأله را در علم نسخه‌شناسی گشوده‌اند. در این میان اشارات و پژوهش‌های نجیب مایل هروی و ایرج افشار قابل توجه است. نجیب مایل هروی در پیشگفتار کتاب نفیس کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، به این موضوع اشاره کرده‌اند که تحقیقی «در خصوص آیین نگارش و رسم الخط و آیین سجاوندی» انجام داده‌اند که در آن «بر پایه ضبط‌های نسخ خطی مورخ، چگونگی داده‌های رسم خط و نشانه‌ها و امارات سجاوندی» بررسی و بر اساس موازین زبان شناختی تحلیل و تعلیل شده است (مایل هروی، ۱۳۷۲: هشتاد و نه - نود). متأسفانه به هر دلیل این اثر تاکنون منتشر نشده و این مسأله مسکوت مانده است. با این وجود، وی در دیگر آثار خود، به طور جسته و گریخته به این مسأله اشاره کرده است و به پاره‌ای از کارکردهای نشانه‌ها و علائم نقطه‌گذاری در نسخ خطی اشاره کرده است. به عنوان مثال در کتاب نقد و تصحیح متون نوشته است: «از علائمی که در نسخه‌های خطی کم و بیش دیده می‌شود، مسأله نقطه‌گذاری و علامت‌هایی است که در گذشته نسخه‌نویسان به غرض نمودن جدایی مصرع‌ها، برخی از حالات اضافی کلمات و پایان فصول و گاهی انجامه‌های پاره عبارات در کتابت و نسخه نویسی رعایت می‌کرده‌اند» (مایل هروی، ۱۳۶۹: سی و سه - سی و چهار).

ایرج افشار نیز به طور پراکنده و متعدد در یادداشت‌ها و مقالات خود به این نکته توجه کرده است. نمونه بارز تحقیقات او در این زمینه، مقاله ارزشمند «سه نقطه‌ها» است که در نامه بهارستان (سال دوم، شماره ۲) به چاپ رسیده است. وی در این مقاله به انواع نقطه و سه نقطه و کارکردهای توجه کرده است و نشان داده که «نقطه‌ها معمولاً به چند صورت ضبط شده‌اند:

۱- تک نقطه: میان دایره برای وقف جمله و یا به منظور انتخاب؛

۲- سه نقطه: وقف جمله و گاه توجه؛

۳- چهار نقطه: فاصله‌گذاری میان دو عبارت و یا آرایش کنار نسخه و یا آخر نسخه (انجامه) گذاشته می‌شود» (افشار، ۱۳۸۰: ۳۵).

در این نوشتار به منظور تحلیل کاربرد نشانه‌ها، ابتدا تمام موارد کاربرد هریک از نشانه‌ها و نگاره‌ها با شماره صفحه، از نسخه «ترجمه فارسی تورات» استخراج و فهرست شده، سپس مصادیق کاربرد هریک از علائم بررسی و ذیل چند مورد بیان شده است. امید است که با نشان دادن گوشه‌ای از کارکرد نقطه‌ها و نشانه‌ها در نسخ خطی، به کشف و تکمیل سیر تاریخی نقطه‌گذاری و کاربرد نشانه‌ها در تاریخ کتابت نسخ فارسی کمک شده باشد.

۴. معرفی نسخه خطی «ترجمه فارسی تورات»

محمدتقی دانش‌پژوه، در سال ۱۳۴۱، در نشریه راهنمای کتاب، مقاله‌ای با عنوان «ترجمه فارسی ششصد ساله تورات» منتشر کرد. وی در این مقاله از نسخه‌ای یاد کرد که کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران می‌خواسته بخرد اما فروشنده آن با بهای معین شده موافقت نکرده و صاحب کتاب آن را با خود برگردانده است. دانش‌پژوه، به خواهش ایرج افشار، این مقاله را نگاشته و در آن اطلاعاتی اجمالی درباره مترجم و محتویات کتاب به دست داده و بخش‌هایی از متن آن را به عنوان نمونه ارائه کرده است (ر.ک. دانش‌پژوه، ۱۳۴۱: ۵۸۹).

استاد جلال‌الدین همایی نیز در یکی از یادداشت‌های خود که به صورت تک برگ از او بجا مانده، به این نسخه اشاره کرده و گفته است: «از کتب فخریه فارسی که در اصفهان منزل حضرت آقای مجتبی روضاتی، رئیس محضر ۴۷، دیدم، ترجمه تورات از لغت عربی به زبان فارسی بود...» و چند سطر از برگ ۱۴۶ پ آن نسخه را به عنوان نمودار نقل کرده که عیناً همان است که در نسخه مجلس آمده است (ر. ک. یادداشت‌های پراکنده همایی، محفوظ در کتابخانه ملی). البته از نام و نشان نسخه پیداست که نسخه‌هایی که هر دو بزرگوار از آن یاد کرده‌اند یکی است. اینکه پس از عدم توافق فروشنده نسخه با کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران چه بر سر نسخه آمده است، روشن نیست اما به هر روی، اصل این نسخه، هم اکنون در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (با شماره ۵۱۸۷) و تصویر آن نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (با شماره ۲۷۶۳-ف) (← فنخا).

نسخه «ترجمه فارسی تورات» قدیمی‌ترین ترجمه فارسی شناخته شده از تورات است که کتابت آن در سال ۷۴۷ هجری قمری، در شهر تبریز به اتمام رسیده است. این کتاب را «سلیمان بن قس یوسف یعقوب میافارقانی» از زبان عربی به فارسی برگردانده است و از آنجا که هیچ نام و نشانی از کاتب آن موجود نیست، به نظر می‌رسد که کاتب و مترجم آن یک نفر باشد. اگرچه مترجم این نسخه شناخته شده نیست ولی از نام او پیداست که مسیحی و پسر یک کشیش بوده و اصالتاً اهل میافارقین، شهری از دیار بکر که ظاهراً بنیاد رومی داشته (معجم البلدان، ذیل میافارقین؛ حدود العالم)، بوده است. از این گذشته، در متن نسخه نیز نشانه‌هایی دال بر مسیحیت مترجم دیده می‌شود. به طور مثال از اشاره‌ای که در (برگ ۳۷ ر) به شفا یافتن از صلیب در کلیسا کرده است، می‌توان دریافت که اعتقاد و میلی باطنی نسبت به مقدسات و باورهای مسیحی داشته است: «این مار نحاس کی موسی ساخت و بر چوب بلند آویخت از بهر شفای بنی اسرائیل، همانند صلیب است که در کلیسا منصوبست که هر کی پیش صلیب آید و به دل پاک، ملتجا صلیب کند، صلیب او را از همه بلاها خلاص کند» (برگ ۳۷ ر)؛ و یا در

جای دیگر، جمله «الحمد للأب المقوی و الابن المتحنن و لروح القدس المساعد من الآن و الی کل اوان و فی کل وقت و زمان» (برگ ۱۳۱ پ) را نوشته است که به صراحت، اعتقاد به تثلیث را نشان می‌دهد.

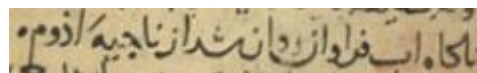
این نسخه به خط نسخ کهن و بر کاغذ سمرقندی کتابت شده است و ۱۷۲ برگ دارد و هر صفحه به طور متوسط مشتمل بر ۳۰ سطر است. قطع برگ‌های آن ۲۱×۱۴ سانتیمتر و اندازه جلد آن ۲۴×۱۸ سانتیمتر است و تنها نسخه موجود از آن، با شماره ۵۱۸۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود (ر.ک. وبگاه کتابخانه مجلس شورای اسلامی). تعداد قابل توجهی از برگ‌های این نسخه گم شده و بسیاری از برگ‌های آن نیز در هنگام صحافی جابجا شده است. به عنوان نمونه، برگ ۴۵ شامل فصل‌های ۱-۳ سفر یوشع است اما برگ ۴۶ فصل‌های ۲۲-۲۵ سفر تثئیه را شامل می‌شود و ادامه سفر یوشع در برگ ۲۱-۲۷ آمده و البته ناتمام است. چنان‌که در کتاب ذکر شده، این نسخه اسفار پنجگانه تورات را در بر داشته است اما هیچ یک از صفحات سفر پیدایش در نسخه موجود نیست و آنچه از این نسخه بجا مانده است، پاره‌های پراکنده‌ای است از سفرهای خروج، اعداد، یوشع، تثئیه، داوران، لاویان و سفر پادشاهان. تنها دو سفر اول و دوم سموئیل به طور کامل در این نسخه وجود دارد.

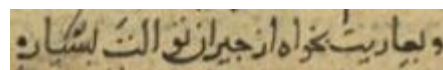
۵. طبقه بندی علائم و نشانه‌های نسخه «ترجمه فارسی تورات»

۱- نقطه‌گذاری‌ها

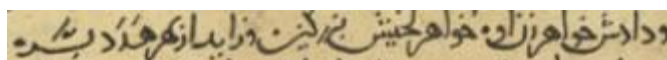
تک نقطه سیاه

۱- در پایان جمله‌ها اعم از خبری و انشایی^۳ آمده است؛

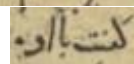
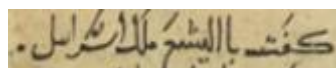





۲- هر جا که در جمله به درنگی کوتاه نیاز باشد، به جای ویرگول، تک نقطه سیاه را به کار برده است؛




۳- گاه پس از فعل گفت و مترادف‌های معنایی آن به جای دو نقطه (:) به کار می‌رود؛

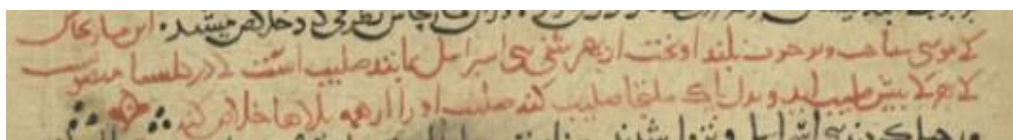



سه نقطه سیاه : 

- در پایان برگ ۱۴۳ پ، این نشانه را به کار برده است. از آنجا که ادامه مطلب در برگ بعد نیامده است و متن افتادگی دارد، نمی‌توان در مورد دلیل کاربرد این نشانه به طور قطع اظهار نظر کرد.

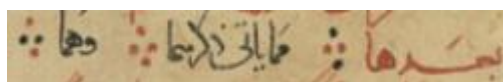
سه نقطه^۴ سیاه : 

- در برگ ۳۷ ر، پس از چند جمله که مترجم یا کاتب به‌عنوان توضیح و حاشیه در شباهت تأثیر مار نحاس موسی و صلیب کلیسا نوشته است، این نشانه را به شکل و ظاهراً برای آرایش خط آورده است:



چهار نقطه : 

- در صفحه پایانی کتاب و در بالای ترقیمه برای زیبایی و آراستگی نوشته، بین واژه‌ها از چهار نقطه‌های سیاه و قرمز استفاده کرده است:

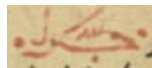


پس از ذکر عنوان «نماز حنا» در برگ ۶۴ پ، عبارتی به خط عبری و با مرکب قرمز نوشته است و میان «نماز حنا» و عبارت عبری، چهار نقطه سیاه به کار برده است. به نظر می‌رسد برای زینت و آرایش خط باشد:



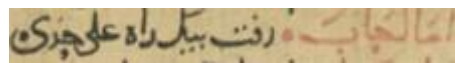
تک نقطه قرمز:

۱- در ابتدا و انتهای واژه «چرا»، در جای جای نسخه از این نشانه برای جلب توجه

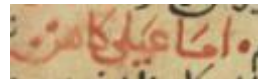
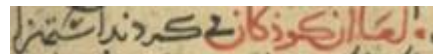


نسبت به علت و دلیلی که ذکر خواهد کرد، استفاده شده است:

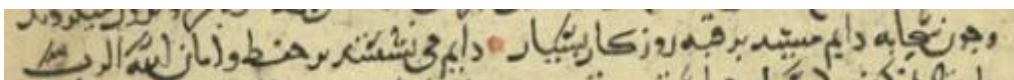
۲- پس از «اما» و واژه یا عبارت پس از آن، نقطه قرمز را به نشانه درنگی کوتاه به کار برده است:



۳- در پایان جمله و پیش از «اما»:



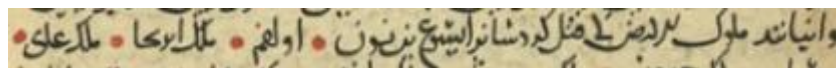
۴- در مواردی معدود به نشانه درنگ در میان جمله پایه و پیرو می‌آید:



۵- به نشانه درنگ در میان واژگانی که به هم عطف شده‌اند:



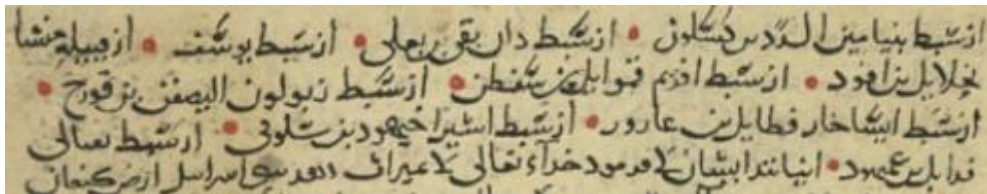
۶- به نشانه درنگ در میان واژگانی که اسناد واحدی دارند:



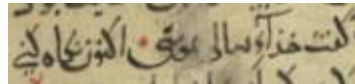
۷- در مواردی پس از عنوان یا نام بخش‌های کتاب:

آغاز کتاب

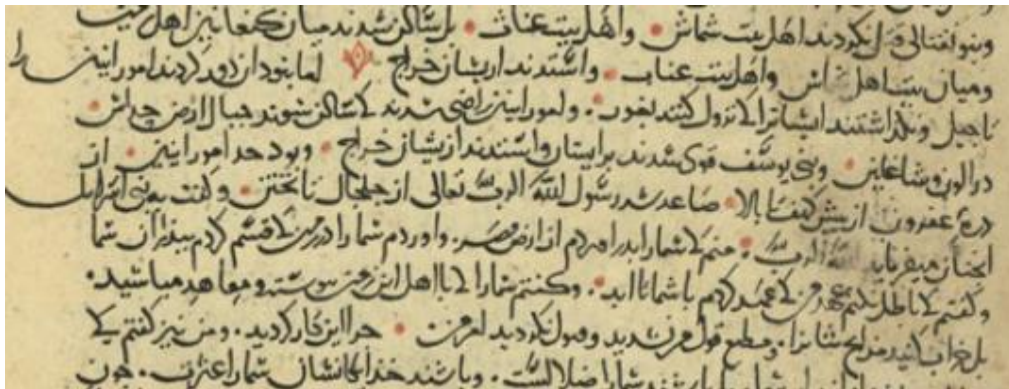
۸- به نشانه درنگ در میان عبارتهای هم‌پایه:



۹- در مواردی به جای «:» پس از فعل «گفت»، برای جلب توجه و نشان دادن اهمیت سخن به کار برده است:



۱۰- در بعضی از صفحات تک نقطه قرمز را در همان موضعی که تک نقطه سیاه را می‌نگارد، به کار برده است. به نظر می‌رسد کاتب در آغاز که متن را با مرکب سیاه می‌نوشته است، با همان مرکب متن را نقطه‌گذاری کرده و در نوبت بعد که مرکب قرمز را برای نشانه‌گذاری برداشته، یک بار دیگر هر جا لازم بوده نقطه‌گذاری کرده و حتی موضعی را که با مرکب سیاه نقطه‌گذاری شده بود، دوباره نقطه گذاشته است:



سه نقطه قرمز :

۱- در میان عبارات و جملات کوتاه تسبیح (نماز)، دعا یا لعن به نشانه درنگ:

و عفتت و ما را بفرمده: فرخ ساختی خطوت / فتر من: بفرم ایسرل و منور چشمهای من
 طلب کم اعدا و ویران ساز ظفر نام: و نروم از ایشان لاقه شران بکم و انسا را امید سازم: بزم ایشان را
 و نتوانند بر خاشتن: بیفتند زیر قدم من: عظمت دهنی بالقوت تو: قتال: او من صرع سازی
 مدعیان من زیر من: بیفتند زیر قدم من: و رفتند ز قار اعداء: پیش دست من: و نشسته سازم
 ز قار اعدای من: فدیازند بر حد او: و ظاهر ایشان نیاید: ایشان را کم کم مانند خال کلاغ باد
 رسد: و زیر پا ایدارم شان را مانند خال راهها: خالهای کفی ما را از لجام شعب: و بساری ما را

داز و قتالی و دم اندر دم زنند و با ابله شدند و گویند ای اسرائیل: ملعون ایستایان ایصنام سباز دستبند
 و او تان بخونه مجسمه امام الله تعالی له اله الرب علی جبار لا علمه و بنهان کند شان را و حواد دهد جمع
 و او بنید امین: ملعون باشد ای که پدر و مادر خود را دستنام دهد بگوید مجموع شعب امین: ملعون باشد
 ای که سبنازد چهره صاحب خود بگوید مجموع شعب امین: ملعون باشد در اعی و از راه کم کند بگوید مجموع
 سوعلمین: ملعون باشد که هم کند بر مسکین و بر یدم فارمله بگوید مجموع شعب امین: ملعون باشد لا
 بیاید روزی رخ ز خود و بشاید عفت بفر خود بگوید مجموع شعب امین: ملعون باشد انکم را با هم مضام

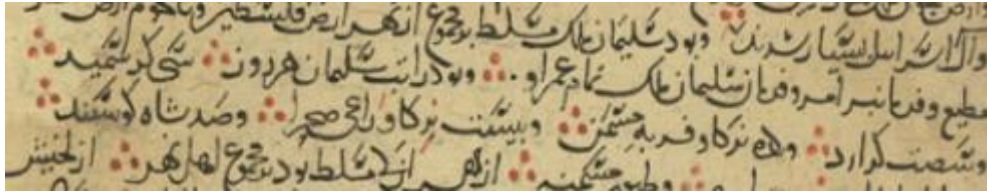
۲- در میان مصرع‌های ابیات شعر:

یا من ایضا فمضاه: کرم سنا فمضاه: الموت افنا من مضاه: والموت یقی مرقوت
 والموت یحج بالتری من المنعم والشقی: من لم یقدم تو بتا قبل المات لقد شقی: مضاه

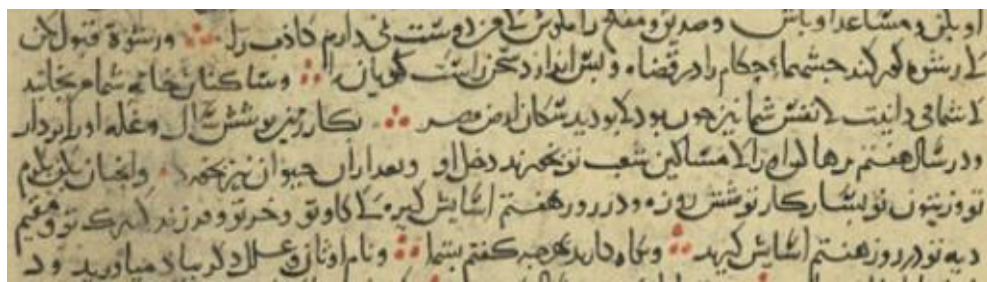
۳- به نشانه درنگ و به جای واو عطف در میان کلمه‌ها و عبارت‌های هم‌نقش و هم‌پایه:

ایسرل شما را حسید: ایسرل شما را حسید: ایسرل شما را حسید: ایسرل شما را حسید: ایسرل شما را حسید
 فرستی و شد سلیمان ملک بر مجموع اسباط ال اسرائیل و برخی خود را: **اعدا ایشان**
 استراف و قارات و صناید ملک سلیمان نیاند: **عذر یا صا و و کاهن: الیوف**
 و جی: انای سبیل بیتکیان: **بوتافاط بن لیلود مذکر: بنا یا بن یوای: سر و جیب**
 صادر و بنی بار کهن: **عذر یا بنیانات: بر قهاره و کلا: زکوریان نام کاهن صو تو ملک**
 و صوا: **ایسرل خزن: اند و نیرم بر عیدار بر خراج: لا محج: اج الکرابوکه** و بودند
 و صوا: **ایسرل خزن: اند و نیرم بر عیدار بر خراج: لا محج: اج الکرابوکه** و بودند

۴- در میان واژگان و عبارت‌هایی که به هم عطف شده‌اند:



۵- در برخی موارد در میان جمله‌های کوتاهی که در بیان احکام می‌آیند، از این نشانه استفاده کرده است:

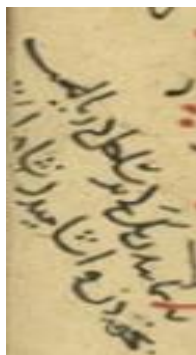


۲-نگاره‌ها

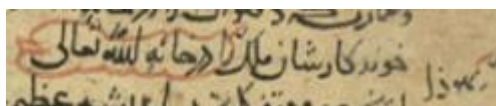
هفت سیاه/قرمز کوچک ، ،


۱- هر جا که جمله یا مطلبی در متن جا افتاده باشد، در همان جا این نشانه را به رنگ سیاه یا قرمز به کار برده و در حاشیه پس از آوردن همین نشانه (به تنهایی یا با خط قرمزی در بالا)، جمله جا افتاده را نوشته است؛ به‌عنوان مثال در برگ ۱۵۱ ر،

و در حاشیه چنین یادداشت کرده است:



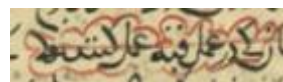
۲- اگر کاتب واژه، عبارت یا جمله‌ای را به اشتباه نوشته باشد و بخواهد واژه، عبارت یا جمله دیگری را جایگزین آن کند، دور جمله اشتباه را با قرمز خط کشیده و آن را با این علامت نشان‌دار کرده و در حاشیه، پس از تکرار این نشانه، جمله یا عبارت درست را نوشته است:



۳- در برخی موارد این نشانه را به شکل  با خط و نقطه‌ای در بالا و با همین کاربرد نشان داده است. در این موارد نیز نشانه به همین شکل در حاشیه تکرار می‌شود و به دنبال آن جمله یا عبارتی که از قلم افتاده است، نوشته می‌شود.

خط قرمز دور واژه، عبارت یا جمله:

۱- اگر واژه، عبارت یا جمله‌ای در متن به اشتباه نوشته شده و زائد باشد، دور یا روی آن، خط قرمز ابرمانندی کشیده است؛ علاوه بر این، گاه به نشانه غلط بودن عبارت روی آن چند خط مورب (برگ ۴۰ ر) یا یک خط افقی کشیده است:



۲- اگر کاتب بخواهد واژه، عبارت یا جمله‌ای را جایگزین واژه، عبارت یا جمله دیگر کند، دور عبارتی که باید حذف شود را با قرمز خط کشیده و جمله یا عبارت درست را در حاشیه نوشته است.



پیش از اینکه به کارکردهای این نوع نگاره‌ها در نسخه مذکور بپردازیم، لازم است به این نکته اشاره کنیم که به نظر می‌رسد به خاطر فاصله زمانی که احیاناً بین نگارش بخش‌های مختلف کتاب اتفاق افتاده است، شکل ظاهری نگاره فراموش شده و کاتب در بخش‌های بعدی از نگاره متفاوتی برای همان منظور استفاده کرده است. گاه نیز شاید به دلیل ضیق وقت یا تنگ حوصلگی، کاتب نگاره‌های ساده‌تری را در بخش‌های دیگر به کار برده است. به هر روی کاربرد بسیاری از نگاره‌هایی که از این پس به آن‌ها اشاره می‌شود، یکسان است و شایسته است که به این مسأله توجه شود.

۱- در پایان بند، زمانی که بحث از یک موضوع یا جنبه‌ای از آن تمام می‌شود، این نشانه را گذاشته است.

۲- در پایان هر «اصحاح» به عنوان نشانه پایان آمده است.

۳- پس از عبارت «الاصحاح ال...» در برخی از موارد، از این نشانه استفاده کرده است.





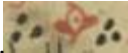
۱- در پایان بند.



۲- در آغاز و پایان عنوان‌ها:

۳- این نشانه با شکلی اندک متفاوت در دیگر بخش‌های نسخه و در همین موارد به کار



رفته است. اشکال دیگر این نشانه چنین هستند:  ، تکرار این

نشانه  و یا ترکیب آن با نشانه‌های دیگر  :

۱- در پایان بند.

۲- در پایان «اصحاح»، وقتی تا پایان خط چیزی نمانده باشد، باقی خط را با تکرار این

نشانه پر کرده است: 

۳- اشکال دیگری از این نشانه:  ، 

: 

۱- در پایان بند، جایی که تا انتهای خط اندک فضایی باقی باشد، این نشانه را تا پایان خط کشیده است.

۲- در آغاز سطر برای جلب توجه و به نشانه شروع مطلبی تازه، به کار برده است.

۳- در میان سطر، جایی که مطلب یا موضوعی تمام شده، این نشانه را به کار برده است و پس از آن مطلبی تازه را آغاز کرده است.

: 

۱- در برگ ۵۰ پ، به نشانه پایان اصحاح به کار برده است.

۲- در برگ ۴۷ ر، پس از بیان احکام، وقتی که می‌خواهد به ادامه داستان بپردازد این نشانه را به کار برده است.

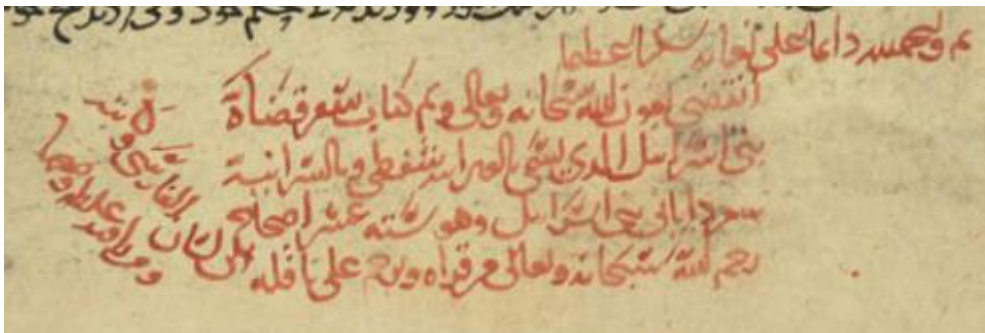
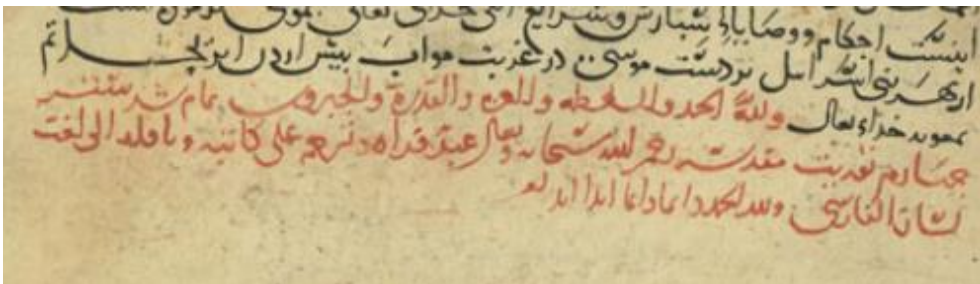
۳- در برگ ۳۵ ر، در پایان قصه شمعون بن منوح و آغاز قصه میخا از این نشانه استفاده کرده است.

۳- قرمز نوشته‌ها:

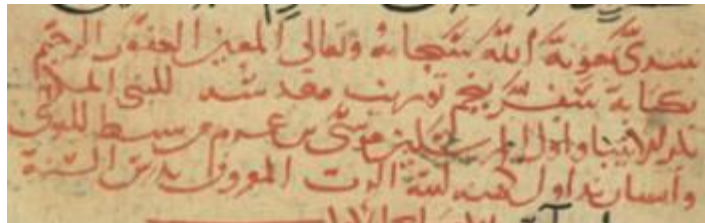
۱- عبارت «الاصحاح ال...» که در آغاز هر فصل می‌آید؛

۲- جملات و عبارات حمد، تسبیح و دعا برای مترجم، کاتب و خواننده کتاب که در

پایان هر سفر نوشته می‌شود؛



۳- عبارات آغاز هر سفر که معمولاً به یاد خدا و ذکر نام و عنوان سفر مربوط می‌شود؛



۴- واژه «تم» که در پایان برخی از سفرها یا فصول می‌آید؛

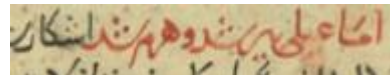
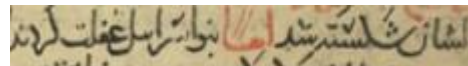
۵- عناوینی که به مناسبت موضوع برای بعضی از بخش‌ها انتخاب شده است؛ مثل

عبارات «تسبیح موسی» (برگ ۳۹ پ)، «تسبیح موسی و بنی اسرائیل بر خلاص ایشان از ید

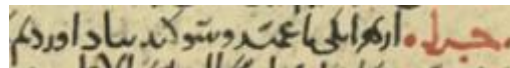
فرعون و مصریان» (برگ ۴۷ پ) و «ثواب اعمال صالحه» (برگ ۴۹ پ).

۶- واژه «اما» به تنهایی یا با واژه، عبارت یا جمله پس از آن، در بسیاری از موارد به رنگ

قرمز نوشته شده است؛



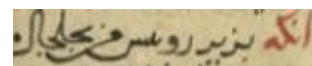
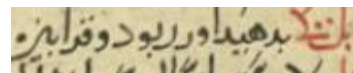
۷- واژه «چرا» که در متن کتاب، به طور مرتب و برای بیان علت و توضیح چرایی بسیاری از اتفاقات تکرار می‌شود، در اغلب موارد با مرکب قرمز نوشته شده است؛



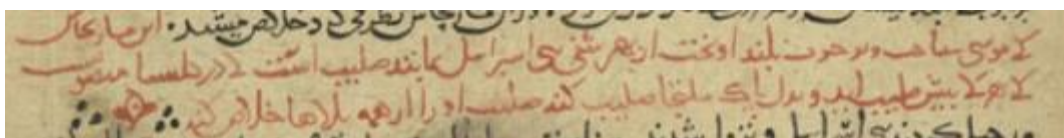
۸- در بعضی موارد، جمله یا جمله‌های آغازین یک بند یا جمله‌هایی را که با افعالی مثل «گفت» یا «جواب داد» آغاز می‌شود، با قرمز نوشته است؛



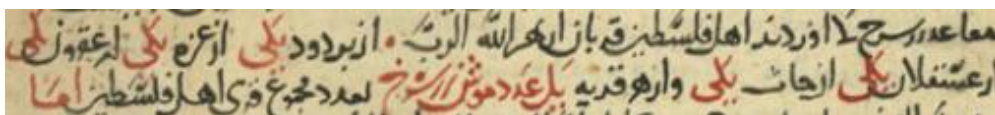
۹- در برخی موارد عباراتی مثل «بمانند»، «بلکه»، «از بهر آنکه»، «آنگه» و...، برای جلب توجه و دقت خواننده نسبت به ادامه مطلب، با مرکب قرمز نوشته شده‌اند؛



۱۰- کاتب در برخی موارد که خواسته توضیحی علاوه بر متن اصلی کتاب ارائه کند، آن را با مرکب قرمز نوشته است. به عنوان مثال در برگ ۳۷ ر:



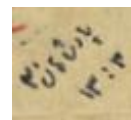
۱۱- در مواردی محدود برخی از کلماتی را که نیازمند توجه بیشتر بوده، یا پس از آن‌ها مکتبی کوتاه لازم بوده است، با مرکب قرمز نوشته است:



۴- حاشیه نوشته‌ها:

در اینجا منظور از حاشیه نوشته‌ها، مطالبی است مرتبط با متن که در پیرامون و کناره‌های اوراق یک کتاب نوشته می‌شود. همان طور که در منابع کهن^۵ ذکر شده، این نوع حاشیه‌نویسی به چهار دلیل انجام می‌شده است: ضبط صحیح لغات و اسامی، آوردن واژه‌های جا افتاده و سقطات، افزودن مطالبی در تفسیر و شرح و نقد یک متن و نوشتن عناوین بخش‌ها و فصل‌های کتاب (درودگر، ۱۳۹۰: ۱۰۱)؛ اما موارد کاربرد حاشیه‌نویسی در نسخه «ترجمه فارسی تورات»:

۱- در برخی از صفحات، توضیحاتی از جمله نام کتاب، شماره اصحاح و شماره آیه با قلمی متفاوت از متن در حاشیه و در کنار سطر مورد نظر نوشته شده است:



۲- اگر کاتب مطلبی را در متن انداخته باشد، آن را در حاشیه در ادامه سطر مربوط نوشته است.

۳- در مواردی که افتادگی در میان سطر باشد، جای آن را با نشانه^۶ یا^۷ مشخص کرده و در حاشیه پس از آوردن همین نشانه، مطلب جا افتاده را ذکر کرده است.

۴- در برگ ۴۱ ر، معنی واژه «صور» که در متن آمده، با قلمی متفاوت در حاشیه نوشته شده است:

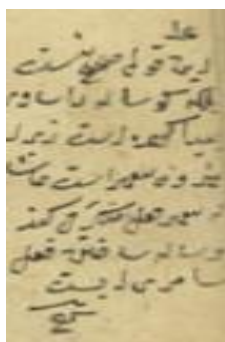


۵- در برخی از صفحات، شماره فصل‌ها را با اعداد رومی در حاشیه نوشته است:



۶- در مواردی که به اشتباه واژه، عبارت یا جمله‌ای را در متن نوشته باشد، خط قرمزی دور آن کشیده و عبارت درست را در حاشیه یادداشت کرده است.

۷- گاه یادداشت‌هایی به خطی غیر از خط کاتب در حاشیه کتاب نوشته شده است؛ مثلاً در برگ ۱۰۵ پ:



نتیجه

در این پژوهش، نقطه‌گذاری‌ها، نگاره‌ها و نشانه‌های نسخه خطی ترجمه فارسی تورات، استخراج، بررسی و در چند دسته ارائه شده است: ۱- نقطه‌گذاری‌ها (تک نقطه سیاه/ قرمز، سه نقطه قرمز و...)، ۲- نگاره‌ها، ۳- قرمز نوشته‌ها و ۴- حاشیه نوشته‌ها. جز این، موارد کاربرد هر یک از این علائم تبیین شده است. کارکرد نشانه‌ها و نگاره‌ها در این نسخه، نشان می‌دهد که کاتب یا مترجم، نسبت به لزوم استفاده از نشانه‌هایی برای نشانه‌گذاری مواضع وقف و درنگ و جداسازی عبارات، جملات و مصرع‌های اشعار به منظور کمک به خواننده و جلب توجه و دقت او، واقف بوده است. با بررسی این موضوع در دیگر نسخه‌های خطی و مقایسه آن‌ها با یافته‌های این پژوهش، می‌شود چارچوب‌های به‌کارگیری نشانه‌ها در نسخ خطی را تعیین کرد و از این طریق در مورد تاریخ، چگونگی و نوع کارکرد نشانه‌ها و نقطه‌گذاری‌ها می‌توان به جمع‌بندی رسید.

پی‌نوشت‌ها

۱- Stanza: بند (در شعر)، به چند خط از یک شعر گفته می‌شود که طبق یک الگوی تکرار شونده از طول وزن و توالی قافیه، در کنار هم چیده شده باشند (دایره المعارف بریتانیکا).

۲- ۱- م: وقف لازم، ۲- ط: وقف مطلق، ۳- ج: وقف جایز، ۴- ز: وقف مجوز، ۵- ص: وقف مرخص و لا: وقف ممنوع (سجاوندی، ۱۴۲۲: ۱۲۳-۱۲۴).

۳- در نسخه‌ای از ترجمان البلاغه، تألیف محمد بن عمر رادویانی که در سال ۵۰۷ ق. توسط ابوالهیجا اردشیر بن دیلم‌سپار نجمی قطبی شاعر کتابت شده و عکس آن را احمد آتش چاپ کرده است، نشانه‌هایی به کار رفته که نشان‌دهنده توجه کاتب به لزوم وقف و فاصله میان جملات است. ایرج افشار در توضیح این مطلب نوشته است: «در دو صفحه نخستین این نسخه، جاهایی که جمله‌ها از یکدیگر می‌بایست متمایز و جدا باشند، کاتب نشانه‌ای به این شکل قرار داده است: ۴. در نخستین برگ، چهارده بار و در روی برگ بعد هفده بار این نشانه دیده می‌شود ولی پس از دو صفحه، دیگر جاهایی که آن گونه نشانه می‌بایست نقش شده باشد سفید مانده و فضای باز برای نشانه نویسی کاملاً مشهود است. همین حالت تا پایان نسخه دیده می‌شود...» (افشار، ۱۳۸۹: ۲۴۴).

۴- ایرج افشار در مورد کاربرد سه نقطه‌ها به این جمع بندی رسیده است که سه نقطه‌ها ممکن است هر یک از کارکردهای زیر را داشته باشند: ۱- برای پایان گرفتن عبارت و گاه پر کردن جاهای خالی، ۲- برای توجه بعدی و حتمی دارنده نسخه و کاتب تا به آسانی بتواند به آن موارد رجوع کند (کوچک و غبار گونه تا حک و محو آنها به نیش قلم تراش عملی و آسان باشد. به سیاهی یا سرخی و به حالت سه گوشه مثلث) (افشار، ۱۳۸۰: ۳۵). سه نقطه‌هایی که در حاشیه قرار بگیرد، در همه جا اشاره روشن است به مشکلی یا موردی قابل دقت که در سطر روبه‌روی سه نقطه منقوش وجود دارد. جز این ممکن است به موارد زیر اشاره داشته باشد:

- برجسته کردن نکته‌ای مغشوش یا مطلوب در سطر مقابل؛

- برای بازگرد و دوباره‌نگری کاتب یا مالکان نسخه؛

- موارد شک و ابهام و سهو و نامشخص بودن صحت ضبط؛

- ضرورت ملاحظه و مقابله بعدی با نسخه دیگر؛

- برای هشپاری، تذکار و توجه (همان: ۳۸).

۵- کتاب‌های حوزه علوم حدیث همچون: «المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی» از قاضی حسن رامهرمزی معروف به ابن خلاد (۳۶۰ ق)، «الجامع لاختلاق الراوی و آداب السامع» از خطیب بغدادی (۴۶۳ ق) و «الالماع الی معرفه اصول الروایه و تقیید السماع» از قاضی عیاض بن موسی یحصبی (۵۴۴ ق) و کتاب‌هایی در آداب تعلیم و تعلم: «تذکره السامع و المتکلم فی آداب العلم و المتعلم» از ابن جماعه (۷۳۳ ق)، «المعید فی المفید و المستفید» از عبد الباسط عَلموی (۹۸۱ ق) (درودگر، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۲).

منابع

- ۱- افشار، ایرج. (۱۳۸۰). «سه نقطه‌ها». نامه بهارستان. سال ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۸۰)، شماره ۲، دفتر ۴، ص.ص. ۳۵-۴۰.
- ۲- افشار، ایرج. (۱۳۸۹). «پاره‌های نسخه شناسی». نامه بهارستان، سال ۱۱ (۱۳۸۹)، دفتر ۱۶، ص.ص. ۲۳۹-۲۴۶.
- ۳- حدود العالم من المشرق الی المغرب. (۱۳۴۰). تصحیح منوچهر ستوده. تهران: دانشگاه تهران.
- ۴- دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۱). «ترجمه فارسی ششصد سאלه تورات». راهنمای کتاب، س ۵ (۱۳۴۱)، ش ۷، ص ۵۸۹.
- ۵- دانی، ابوعمرو عثمان بن سعید. (۱۴۰۷). المحکم فی نقط المصاحف. بیروت: دار الفکر.
- ۶- رودگر، قنبرعلی. «حاشیه و حاشیه‌نویسی در نسخه‌های خطی (بر اساس متون کهن)». نامه بهارستان، سال ۱۲ (۱۳۹۰)، دفتر ۱۸-۱۹، ص.ص. ۱۱۴-۱۰۱.
- ۷- سجاوندی، محمد بن طیفور. (۱۴۲۲). الوقف و الإبتدا. محسن هاشم درویش. عمان (اردن): دار المناهج.
- ۸- طبرسی، امین الإسلام. (۱۴۰۶). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.

- ۹- درایتی، مصطفی. (۱۳۹۱). **فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا)**. جلد نهم. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۰- مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹). **نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی)**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۱۱- مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۲). **کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۱۲- همایی، جلال‌الدین. (بی‌تا). **یادداشت‌های پراکنده همایی**، نسخه محفوظ در کتابخانه ملی، مجموعه جلال همایی.
- ۱۳- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابی‌عبدالله. (۱۳۷۶). **معجم البلدان**. ج ۵، بیروت: دارالصادر (۱۹۵۷ م.).

۱۴- وبگاه کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به نشانی

http://dlib.ical.ir/faces/search/bibliographic/biblioFullView.jspx?_afPfm=-hl58f202y

15- "The Masoretes and the Punctuation of Biblical Hebrew", (2002). British & Foreign Bible Society. (May 2, 2002). http://lc.bfbs.org.uk/e107_files/downloads/masoretes.pdf [Last modified: May 21, 2016]

16-Catach, Nina. (1994). **La ponctuation (Histoire et système)**. Paris: Presses universitaires de France.

17-Houston, Keith. (2013). **Shady Characters**. London: Pinguin.

18-Shaw, Ben. (2011). "Punctuating the Bible". <http://theaquilareport.com/punctuating-the-bible/> [Last modified: May 10, 2016]

19-Palmer, Mecheal w. (2005). "Punctuation in Ancient Greek Texts, Part I". <http://greek-language.com/grklinguist/?p=657&> [Last modified: May 21, 2016]

تصویر برگ اول و آخر نسخه «ترجمه فارسی تورات»:

